



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

در دفاع از جنبش ضد اختناق

نامه‌ای سرگشاده به کمیته از زندان تا تبعید از سوی گروهی از کوشندگان کمیته ضد اختناق در ایران (کاری)

دوستان بنیان‌گذار "کمیته از زندان تا تبعید"، سفر شما چهار نفر به خارج از کشور - شمائی که در برابر رژیم وحشی و خونخوار و مستبد پهلوی پایداری کرده‌اید، شمائی که خود طعم شکنجه‌های قرون وسطائی در خیماں ساوک را چشیده‌اید، و شمائی که از میان خون و شکنجه و از کنار هزاران خواهر و برادر شکنجه شده در بند آمده‌اید - و خواست شما منی بر ادامه مبارزه و پایداری در خارج از کشور طبیعتاً مورد استقبال همه مبارزان ضد رژیم قرار گرفت.

تشکیل "کمیته از زندان تا تبعید" با هدف - البته اعلام شده - افشای همه جانبه و بی‌امان اختناق در ایران، افشای شکنجه‌گاه‌های رژیم، با شیوه‌های تازه جنایت و سرکوب‌آن، و نیز رساندن صدای دربندان این رژیم سزینزه و کشتار و جنایت‌بسه گوش جهانیان و دفاع از زندانیان سیاسی، از دیدگاه ما گام نوید بخشی بود که می‌توانست برای گسترش مبارزه علیه اختناق در ایران و در جهت آزادی مبارزان دربند و همچنین بسج همستگی گسترده بین المللی با مبارزان مردم ایران سخت مفید افتد.

استقبال وسیع ایرانیان از فراخوان کمیته نشان داد که امیدواری ما درباره امکانات بالقوه سازماندهی چنین مبارزاتی بی پایه نبوده است. بسیاری از ایرانیان - که شاید در سالهای گذشته توجه فعال و آشکاری نسبت به شرایط اختناق و استبداد نشان ندادند - بودند - تحت تاثیر مبارزات اخیر مردم در ایران اکنون به حرکت درآمده اند و تشنه شنیدن اوضاع از زبان چهار زندانی سابق رژیم در نشست‌های کمیته شرکت کردند.



تاثیر مثبت این ابتکار شما حتی به گونه‌ای در واکنش برخی از گرایش‌های سنتی موجود در میان اپوزیسیون خارج از کشور نیز بازتاب یافت. در سالهای اخیر که زیر فشار مبارزات بین المللی رژیم ایران مجبور به آزاد کردن برخی از زندانیان سیاسی سرشناس شده بود بسیاری از این گرایش‌ها چنین استدلال می‌کردند که هر زندانی سیاسی‌ای را که رژیم آزاد کند "بی‌شک و شبیه" تسلیم شده، خود فروخته بوده، و عامل رژیم است و از این روی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را کاری بیهوده، و نقی‌غرض و حسی در خدمت رژیم می‌خواندند. اینان بجای آنکه علیه رژیم آذک‌کش و شکنجه‌گاه‌ها و در خیماںش مبارزه کنند، علیه قربانیان شکنجه قلم فرسائی می‌کردند و از دون برج عاج خویش در خارج از کشور با شکنجه سنج مبارز بودن یا مبارز نبودن زندانیان سیاسی شاه را تعیین می‌کردند و کارتا بد آنجا کشیده بود که یکسره تنها از زندانیانی که بدست در خیماں شاه کشته می‌شدند دفاع می‌کردند. بهمین منوال برخی از گرایش‌ها در یک سال اخیر بجای سازماندهی وسیع‌ترین نیروها در دفاع از مبارزات مردم ایران - که برای کسب حقوق دموکراتیک به پا خاسته‌اند - لبه تیز حطه خود را متوجه برخی از مبارزین در داخل ایران و بویژه کانون نویسندگان ایران کرده بودند. هم اینان بجای دفاع عطفی از حقوق دموکراتیک کانون نویسندگان، دفاع از حق بیان، و گسترش مبارزه علیه سانسور و حق تشکل کانون، و کوشش خود را صرف خرده گیری از نامه‌های کانون نویسندگان و پایه‌گفته خودشان علیه سازشکاری می‌کردند. بجای مبارزه برای بسج وسیع‌ترین جبهه جهانی در دفاع از خواست‌های نویسندگان ایران تحلیل‌های رنگارنگی درباره "طوطه‌های دستگاه و امپریالیزم ارائه می‌کردند و نویسندگان و شعرای مبارزی را که برای بدست آوردن آزادی بیان و تشکل دست به ایجاد کانون زده و خود را در برابر حملات رژیم قرار داده بودند عوامل ارتجاع و امپریالیزم می‌خواندند تا

بجائی که یک هفته پیش از پخش فراخوان "کمیته از زندان تا تبعید" اعضای یکی از کنگد راسیون‌ها (معروف به کنگد راسیون احیاء) در نشست عمومی حتی شخص سعید سلطانپور را ارتجاعی خواندند.

اما همین گرایش‌ها (و حتی کنگد راسیون احیاء) از فراخوان کمیته استقبال کردند. این استقبال اولیه و ابراز آمادگی بسیاری از گرایش‌های سنتی در همکاری با کوشش‌های کمیته و نیز جلب شدن هزاران نفر به این فعالیتها نشان داد که چه زمینه آماده‌ای برای مبارزه‌ای گسترده در راه افشای جهانی شکنجه‌گاه‌های رژیم و در راه آزادی زندانیان سیاسی و نیز در راه دفاع از مبارزات همه جانبه مردم ایران علیه این رژیم استبدادی خون ریز و آزادی‌کش وجود دارد. به باور ما تشکیل "کمیته از زندان تا تبعید" و آغاز مبارزات افشاگرانه شما می‌توانست کمک موثری در راه سامان دادن به کوشش دامنه دار و پیگیر در این زمینه باشد. اما متأسفانه چنین نشد و بجای این همه، پیش‌داوری‌های نابخردانه، و تنگ‌ماپی‌ها و پایدگر سخن "تحلیل‌های رنگارنگ روشنفکرانه" و اماندگان و بت پرستان یکبار دیگر خود را نمایاند. چرا چنین شد؟ به دید ما باید "کمیته از زندان تا تبعید" و یکایک مبارزین ضد رژیم به این پرسش پاسخ گویند که علت این همه چه بوده است و چگونه می‌توان در راستای دیگری که امکانات بالقوه موجود در خارج از کشور در این شرایط بسج بالفعل تبدیل کند گام برداشت؟

اشکالات اولیه کمیته چه بود؟

برای ارزیابی مشکلاتی که تا کنون پیش آمده و به محدود شدن تاثیر کوشش‌های کمیته، و نیز پیدا آمدن برخورد‌های دشمنانه و زنده در نشست‌های عمومی، اینجا باید از همان نشست نخست تدارک دور برنامه ریزی (۱۰ مه ۱۹۷۸) که یک هفته پیش از نخستین کنگرانی مطبوعاتی کمیته در لندن برگزار شد آغاز کرد.

در این نشست با اینکه بارهای بسیار اعضای کمیته اعلام کردند که هدف آنان از تشکیل این کمیته اساساً تبلیغ علیه اختناق و شکنجه و بازگ کردن شرایط زندان‌های رژیم و در خدمت به آزادی زندانیان سیاسی است و به هیچ روی خواهند بسج گرد نظرگاه‌های سیاسی خویش وحدت و همکاری ایجاد کنند (کاری که ممکن نیز نبود)، اما با این همه اعضای کمیته دید روشنی از نتایج چنین موضعی - و نیز چگونگی اجرای آن در عمل - نداشتند و یا دست‌کم چنین می‌نمود. این ناروشنی از همان آغاز خود را نشان داد و راه را برای پیش‌آمدهای بعدی هموار کرد.

دروغله نخست فراخوان کمیته خود مؤید این ناروشنی بود. این فراخوان گرچه بطور عمده جنبه توصیف شرایط اختناق و ستم را داشت اما در عین حال حاوی تحلیل ضمنی مشخص سیاسی از تاریخ ایران از کودتا تا به امروز نیز بود و نتیجه گیری‌های مشخص سیاسی‌ای را تجویز می‌کرد. این ماهیت دوگانه راه را برای گرایش‌های گونه‌گون اپوزیسیون باز کرد تا هر یک به گونه‌ای بکوشد بخشی از برنامه خود را در پلان تفرد کمیته بگنجانند. برخی از این گرایش‌ها که در اساس مخالف ایجاد جبهه واحد مبارزاتی علیه اختناق در ایران هستند تنها با این هدف به فراخوان کمیته جواب مثبت دادند که

بقرار کند! " کمیته ضد اختناق در ایران " (کاری) گم در عرض چند سال اخیر تنها کمیته ای بوده است که بگونه ای پیگیر و گسترده به افشای اختناق حاکم بر ایران در میان جنبش های دانشجویی و کارگری در انگلستان پرداخته است و از پشتیبانی و همسنگی اتحادیه های دانشجویی و سندیکا های کارگری در این کشور برخوردار است اصلاً به جلسه تدارکات دعوت نشد • دلیل حذف " کاری " از این برنامه ریزی چه بود ؟ بی شک معیار دعوت کلیه انجمن های دانشجویی به جلسه تدارکات نام " انجمن " داشتن یا " دانشجویی " بودن آنها نبود ، بلکه بر این مبنی بود که بهر حال این انجمن ها هر یک به گونه ای سنتاً تشکلات مبارزه علیه رژیم ایران بوده اند ، مبارزین ضد رژیم را به خود جلب کرده ، کمابیش و بدرجات مختلف هنوز هم جنب می کنند • بنابراین چرا یک کمیته مشخص ، که از مجموعه این انجمن ها در فعالیت علیه رژیم اختناق موثرتر بوده از این تدارکات حذف شد ؟ تنها دلیلی که می تواند وجود داشته باشد تسلیم اعضای کمیته در مقابل فشار گروه های دیگریست که مخالف شرکت " کاری " در این برنامه ریزیها بودند • البته یک دلیل دیگر می توانست مخالفت سیاسی اعضای کمیته با " کاری " بوده باشد • ولیسی اولاً خود کمیته بظاهر قبول کرده بود که مواضع سیاسی اعضای آن پیش شرط همکاری آن با نیروهای مختلف نیست • و ثانیاً تا قبل از جلسه منجستر و بعداً در پاریس نه تنها چنین مخالفتی ابراز نشده بود ، بلکه اعضای کمیته از نزدیک با فعالین " کاری " همکاری می کردند • دبیر سرانجام " کاری " در ترجمه و تهیه بنیانه های چهار نفر برای کنفرانس مطبوعاتی از نزدیک همکاری می کرد و بنا به دعوت خود کمیته در کنفرانس مطبوعاتی بعنوان مترجم شرکت کرد • حتی در تهیه مطالب برای کنفرانس برخی از اعضای کمیته از جزوات " کاری " استفاده می کردند • علاوه بر این در جریان جلسه منجستر - که بعداً به آن اشاره فصل تر می کنیم - یکی از اعضای کمیته ، سعید سلطانپور ، در پاسخ به این سوال که چرا در لندن اعتراضی به وجود نشد کار می نبوده است گفت که از آن زمان تا به حال با آشنائی بیشتر با " کمیته ضد اختناق در ایران " به این نتیجه رسیده است که فعالیت ها این کمیته در جهت خلق خلق ایران نیست • در نتیجه حذف رسمی " کاری " از اجلاس لندن ، در عین همکاری عملی با آن ، تنها می تواند به دلیل تسلیم کمیته در مقابل فشارهای غیر اصولی گروه های دیگر بوده باشد •

نتایج این اشکالات در عمل چگونه بود ؟

این ناروشنی ها ، کج دار و مریز کردن ها ، تسلیم شدن ها و نوسان های کمیته به سرعت نتایج وخیم و تازانگیز خود را درکوشش های بعدی نشان داد و منطقاً کمیته را در جهت اتخاذ مواضع نادبستی و نادرست تر سوق داد • از همان جلسات اول لندن و تظاهرات لندن ، کمیته تحت فشار پرسش های گروه های مختلف ، بیشتر و بیشتر در جهت تبلیغ برنامه سیاسی خود از طریق جلساتی که قرار بود جلسات " افشاء و اعتراض جهانی " باشند پیش رفت • بطور مثال اکثر شعارهای انتخابی کمیته برای تظاهرات لندن ، بجای مطالبات مشخص علیه رژیم ایران و حامیان بین المللی آن (در این مورد مشخص دولت بریتانیا) که درست در همان روزهای قتل عام در شهرهای ایران یکی از بزرگترین قرار داد های فروش اسلحه به ایران را افشاء کرده بود ، بجای شعارهای مشخص که مبنی شرایط اختناق و دیکتاتوری و همسنگی با جباران مردم باشد • اعلام مواضع سیاسی اعضای کمیته بود • هدف تظاهرات در خیابان های لندن تنها اعلام عواموسی در انگلستان به اوضاع ایران ، جلب همسنگی آنان با جباران مردم

شاید بتوانند از راه این کمیته و کوشش های آن برنامه های سیاسی خود را تبلیغ و تحمیل کنند و از آنجا که کمیته نیز میان اهداف مشخص مبارزاتی خود - یعنی مسائلی که می توانست پایه های وحدت میان نیروهای موافق مبارزه علیه خفقان را تشکیل دهد - و برنامه و برداشت های سیاسی خاص خود - که به هیچ روشنی نتوانست مورد توافق نیروهای دیگر قرار گیرد - خط فاصل روشنی کشیده بود ، برای پاره ای از این گرایش ها ، بویژه آشنائی کمی احساس می کردند از دیدگاه سیاسی با نظرها های مندرج در فرآیند خوان کمیته نزدیکترند ، این شبهه را ایجاد کرد که با اندکی فشار به روی کمیته خواهند توانست نظرات خود را از زبان کمیته بیان کنند • در نتیجه نشست نخست تدارکات بجای بحث در چگونگی سازماندهی این کوشش ها و اجرای آنها در گسترده ترین و موثرترین رویه ها به جولانگاه ستیز گرایش های سیاسی مختلف تبدیل گردید • این گرایش ها که در سالهای اخیر همگی دچار بحران های درونی بوده اند و ورشکستگی برنامه سیاسی شان و عدم توانائی شان در فهم مبارزات اخیر در ایران ، آنان را گرفتار اشعاعات زیاد و بی دریغ ساخته است ، گرایش هایی که در عرض سالهای اخیر توانا بجمع سازماندهی هیچگونه مبارزه پیگیری در دفاع از مبارزات مردم در ایران نبوده اند ، اکنون فرصت را مغفتم دیدند تا بسان غرقه که بهر خسی جنگ می اندازد با طرح شعارهای سیاسی خود ، خود را به گوشه ای از " کمیته از زندان تا تبعید " بیاویزند • از همین رو در این نشست رقابت سختی میان این گرایش ها در گرفته بود • هر کدام کوشش می کرد تا با فشار گذاشتن بر روی کمیته ، با اتمام حجت کردن - مبنی بر اینکه ما نیروهای زیادی در اختیار داریم و اگر کمیته فلان و بهمان کند ما این نیروها را در اختیارش خواهیم گذاشت - کمیته را مجبور به اتخاذ مواضع مشخص خود کند • در این میان یکی پیشنهاد می داد که شعار " مجلس مویسان " نیز باید به پلتفرم کمیته افزوده شود ، و دیگری می خواست که کمیته علیه کمیته مرکزی حزب توده " بنابه " خائن به خلق " موضع روشنی اتخاذ کند و سوسی بر آن بود که افزون بر " مرک بر امپریالیزم آمریکا " علیه " سوسیال امپریالیزم شوروی " نیز باید شعارداده شود و چهارمی خواستار خط کشی قاطع با " جریان راست سازش کارانه " بود و این سان بیش از ۱۶ ساعت نشست به این گفتگوهای سترون گذشت •

این ناروشنی در مورد لزوم جدا کردن مواضع و برنامه سیاسی اعضای کمیته از اهداف مبارزاتی مشخص کمیته نتیجه منطقی دیگری نیز داشت که یکسره در پیوند با این ناروشنی و دوگانگی بود • از همان آغاز ، کمیته هیچگونه موضع اصولی روشنی درباره چگونگی اتحاد گرایش های مختلف در عمل مبارزاتی اتخاذ نکرد • بنظر می رسد که معیار کمیته در برخورد با این ساله بیشتر ملاحظاتی فوری استفاده از نیروهای مختلف بود و نه پایه ریزی محکم و اصولی روابط همکاری بین گرایش های متفاوت بر سر فعالیت های مبارزاتی مشخص • بجای اتخاذ تنها موضع صحیح - که در همان جلسه نیز از جانب دو نفر از اعضای انجمن دموکراتیک دانشجویان ایرانی و فعالین " کاری " پیشنهاد شد - ، یعنی اعلام صریح این موضع که کمیته با کلیه نیروهایی که حاضر به شرکت فعالانه در ساختن مبارزات اعلام شده هستند همکاری می کند ، یعنی کلیه نیروهایی که در راه افشای وسیع وبی امان رژیم سرنیه - و شکنجه در ایران ، و در راه دفاع و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ، و در جهت دریدن پرده " تزویر و سکوت از چهره رژیم سرکوب و خفقان حاضر به همکاریند - کمیته کوشش داشت با اتخاذ مواضع بینابینی خود را با فشارهای غیر اصولی گروه های مختلف همساز کند • در برابر اتمام حجت های کنف راسیون های متعدد علیه همکاری با یکی از کنف راسیون ها (معروف به " سیس ") کمیته قبول کرد که با این کنف راسیون با اصطلاح رابطه " شعاعی "

ولی مسأله بدین جا پایان نیافت و منطقی نیز نمی‌توانست پایان یابد. • تسلیم کمیته در برابر فشارهای گروهی و گروه گریزانه ثمرهٔ بعدی خود را در منجستر بهار آورد. • در این جلسه متعاقباً اعتراضی یکی از دانشجویان ایرانی محل که مخالف وجود میز انجمن دمکراتیک دانشجویان ایرانی بود یکی از اعضای کمیته، سعید سلطانپور، از مسوولین میز خواست که در محوطه جلسه میز نگذارند. • در مقابل اعتراض مسوولین به این اقدام غیر دمکراتیک، دلیلی که سعید سلطانپور ارائه داشت مخالفت سیاسی اعضای کمیته با برخی از نشیانی بود که از طریق میز انجمن به فروش می‌رسید، مشخصاً نشانیات کمیته ضد اختناق در ایران و مجلات کند و گاو و پیام دانشجویان. • "کمیته از زندان تا تعهد" در فاصله چند روزه جلسات لندن تا منجستر تحویل مواضع سیاسی خود را بر فعالیتهای افشاگرانه علیه رژیم یک قدم دیگر به پیش برده بود. اگر در لندن برخی از گرایش‌ها و کمیته‌ها از شرکت در برنامه ریزی حذف شده بودند، اکنون در منجستر ابراز نظر و عقاید نیز موقوف به "مستز" کمیته شده بود. • هارزینی که خود سالها علیه سانسور هارزه کرده بودند، هارزینی که خود به دلیل ابراز عقاید مخالف رژیم طعم شکنجه‌های دژخیان پهلوی را چشیده‌اند، اکنون شخصی "صلاحیت" نظرات مختلف را از جانب خلق ایران "به خود چهار نفر تفویض می‌کردند. • زیر پا گذاشتن این بدیهی ترین معیار دمکراتیک - حق گرایش‌های مختلف در ابراز نظرات خود - در میان جنبش ضد اختناق و ضد دیکتاتوری ما را به طرح این سوال وامی‌دارد که اگر "کمیته‌ها از زندان تا تعهد" نظرات مخالف خود را از محوطه جلسه عمومی افشاگرانه علیه اختناق می‌رانند آیا در "جمهوری دمکراتیک خلق" آینده شان نظرات مخالف را به بیرون مرزهای جمهوری و یا به زندان‌ها نخواهد سپرد؟ این سان که اعضای کمیته با تسلیم شدن‌های بی‌دری و نیستی فرصت طلبی‌ها و تحمیل هاشان تا کنون عمل کرده‌اند چشم انداز آینده اگر از این تاریک تر نباشد بی تردید روشن تر نخواهد بود. افزون بر این برچه پایه‌های اعضای کمیته خود را در قضاوت "منافع خلق ایران" تبصیح مطلق می‌دانند؟ چرا از این گونه هارزینی ایرانی که به جلسات کمیته جلب می‌شوند با تمام نظرات آشنائی یابند و خود قضاوت کنند کدام نظر ذیحق است و احمسه دارند؟

این عمل غیر مسوولانه کمیته در همان جلسه منجستر به وقایع تأثرویی انجامید. • گروه‌های دیگری از دانشجویان ایرانی نیز به خود اجازه دادند "از جانب خلق ایران" به اخراج گرایش‌های از نظر آنان "ضد خلقی" متوسل شوند. • اول نوبت به میز نشینیات گروهی از دانشجویان یونانی و فلسطینی رسید. • کل میز و کتابها به خارج از محوطه جلسه ریخته شد؛ چرا که روی این میز نشینیات حزب توده ایران نیز به فروش می‌رسید و از نظر این دانشجویان پخش نظرات حزب توده ایران نیز مافی "منافع خلق ایران" است. سپس نوبت به میز نشینیات یکی از گروه‌های کنفدراسیون (سیس) رسید و معلوم نیست اگر دخالت مسوولین اتحادیه دانشجویی دانشگاه نبود این صحنه‌های زنده و اقدامات سانسورگرایانه به کجا می‌انجامید.

کمیته از زندان تا تعهد بجای درک فوری اشتباه خطیری که مرتکب شده بود و تصحیح این خطا، باز هم در جهت متقابل پیش‌تر رفت. • جلسات عمومی کمیته در پاریس دیگر آن رنگ افشاگرانه نشست‌های لندن و منجستر را هم نداشت. • پاره‌ای از نیروهای کنفدراسیون‌های مختلف که تدارک این نشست را بزور عد و غضب

ایران و برانگیختن آنان به هارزه علیه سیاست‌های دولت انگلیس در حمایت از دیکتاتوری پهلوی باید می‌بود. • معلوم نیست کمیته چگونه می‌خواست چنین هدفی را از طریق شعارهایی نظر "مرگ بر رژیم مشروطه - سلطنتی شاه" و "زنده باد حکومت دمکراتیک خلق" و یا حرکت قهرآمیز، آینده قهر خلق شویم" و ... • (آنهم اکثراً به زبان فارسی) جامهٔ عمل بپوشاند. • شعارهای پیشنهادی فعالین "کاری" "هنی برخواستن" "قطع فروش اسلحه به ایران" و "آزادی کلیه زندانیان سیاسی" و ... • بدون هیچ توضیح سیاسی رد شد. • در عمل تظاهرات لندن بیشتر جنبه ابراز همبستگی از جانب خود شرکت‌کنندگان در تظاهرات با هارزات مردم را پیدا کرد تا رساندن پیام مشخص هارزاتی به افکار عمومی و جلب همبستگی دیگران با این هارزات. •

سیاست حذف برخی گرایش‌ها از هارزه مشترک تحت فشار گروه‌های دیگر، در دومین جلسه تدارکات و در رابطه با تظاهرات لندن یک گام دیگر به جلو رانده شد. • سخنگوی کمیته اعلام داشت که بجز پرچم "کمیته از زندان تا تعهد" و یک پرچم به نام کنفدراسیون (CISNU) هیچ گرایش دیگری، هیچ انجمن دانشجویی دیگری و یا کمیته‌هایی نظیر "کمیته ضد اختناق در ایران" حق آوردن پرچم خود را ندارد. • اعضای انجمن دمکراتیک دانشجویان ایرانی در آن جلسه توضیح دادند که این تصمیم بشکل غیر اصولی و غلط است. • اگر خود کمیته تظاهرات را به دور یک سلسله شعارهای مشخص هارزاتی که مورد توافق کلیه نیروهای درگیر این فعالیت‌ها بود ترتیب داده بود در آن صورت امکان داشت که اصولاً هیچ نام پرچم خاص خود را (که در واقع معرف اهداف و خواست‌های آن است) به تظاهرات نیاورد. • ولی از یک سو ماهیت شعارهای کمیته برای تظاهرات چنین نبود و از سوی دیگر کمیته قبول کرده بود که یک پرچم به نام سازمان مشخص CISNU حق حضور دارد (در کدام جلسه و با مشورت چه نیروهای روشن نیست، چون این تصمیم در جلسه تدارک اول گرفته نشده بود). • این که چگونه چندین سازمان مختلف دانشجویی که هر کدام در سالهای اخیر ادعای وراثت نام CISNU و ادعای "تنها سازمان جنبش دانشجویی بودن" را داشته‌اند و هر یک دیگری را به هزاران اتهام رنگارنگ متهم می‌کرده است همگی حاضر شدند به زیر یک پرچم واحد بروند - هر یک با تعبیر خاص خود - فعلاً مورد بحث ما نیست، اگر چه به روشنی نهایت ورشکستگی و فرصت طلبی این سازمان‌ها را نشان می‌دهد. • ولی معلوم نیست اعضای کمیته بر بنیاد کدامین معیار و اصل سیاسی به چنین تصمیمی رسیدند؟ مثلاً انجمن دمکراتیک دانشجویان ایرانی نه خود را جزئی از چندین کنفدراسیون چند شقه شدهٔ موجود می‌داند و نه ادعای کنفدراسیون جهانی بودن را دارد. • به کدام دلیل سیاسی اعضای این انجمن می‌باید یا تحت نام CISNU در تظاهرات شرکت می‌کردند و یا تحت شعارهای کمیته که مخلوطی از مواضع سیاسی اعضای آن و برخی ابراز همبستگی‌های شاعرانه بود؟ • ویسا "کمیته ضد اختناق در ایران" که به بسیاری از اعضای انگلیسی‌نویس دانشجویی و کارگری انگلیس در صفوف فعالین آنند چرا نباید از این حق بدیهی دمکراتیک برخوردار باشد که تحت نام خود و شعارهای مشخص هارزاتی‌ها که به حصول آن تشکیل شده است در تظاهرات شرکت جوید؟ ما به تا به امروز پاسخی از جانب کمیته به این سوالات پیش پا افتاده شنیده‌ایم. • بهر حال، و از آنجا که از نظر ما شرکت در آن تظاهرات، با تمام اشکالات و مسائل فوق، دقیقاً به دلیل نیاز رساندن پیام هارزینی ایرانی به افکار عمومی و افشای اختناق و جنایات رژیم از هر ملاحظه دیگری مهم تر بود، هواداران و فعالین "کاری" و انجمن دمکراتیک دانشجویان ایرانی با حمل شعارهای خود در این تظاهرات شرکت کردند. •

کارگری پشتیبانی خود را از کاری اعلام داشته اند. سخنویسان کاری درجلسات متعددی درکالج ها، دانشگاه ها، شعبات سندیکاها، کنفرانس های سالیانه اتحادیه سراسری دانشجویان، سازمان جوانان سوسیالیست حزب کارگر، کنفرانس جنبش آزادی زنان شرکت کرده، به افشای اختناق درایران پرداخته، پشتیبانی سازمان های متعددی را به مبارزه مردم درایران جلب کرده اند. تشکیل کاری بر بنای یک سلسله تکالیف و خواست های مشخص مبارزاتی همچگونه پیش شرط ایدئولوژیک بر شرکت نیروها در مبارزات آن و پیوستن به کمیته ایجاد نمی کند. تنها شرط پیوستن به کاری شرکت در مبارزات مشخص است که از آن نام بردیم. به نظر ما تشکیل این گونه جبهه های واحد در عمل تنها راه ساختن مبارزات گسترده توده ای علیه اختناق درایران و بسیج وسیع ترین نیروهای ممکن در دفاع از مبارزات مردم و منزوی کردن رژیم دیکتاتوری است.

این باور ما بر بنای نوعی خوش خیالی ماورا طبقات و ماورا مبارزات سیاسی و ایدئولوژیک استوار نیست. برعکس وجود گرایش های متفاوت سیاسی، که از نظر تاریخی و در مقیاس تاریخی معرف منافع طبقاتی متضاد و متخاصم، در جبهه مبارزین علیه اختناق اتخاذ چنین موضعی در مورد وحدت نیروها را در عمل لازم می آورد. ضرورت اتحاد در مبارزه از فرصت طلبی این یا آن گرایش، یا خوش باوری این یا آن گروه سیاسی ناشی نمی شود. نیازهای عینی مبارزه این وحدت را طلب می کند. توده های مردم که بحرکت درآمده اند، خود این نیاز را حس می کنند. برای عقب راندن دیکتاتوری تا بدندان مسلح پهلوی اتحاد مبارزاتی کلیه نیروهای علیه رژیم ضروری است. واضح است که در چنین مبارزه ای گرایش های متفاوت سیاسی با برنامه های متفاوت شکل گرفته و می گیرند. هدف ما نیز انکار موجودیت این گرایش ها نیست. بدون تردید هر یک از این گرایش ها نیز پیشرفت مبارزه و پیروزی نهایی را در گروی پذیرش برنامه و استراتژی خود از جانب توده های مبارز می داند. ولی مساله ای که همه این گرایش ها با آن روبروند ایستگه چگونه توده های مبارز به این پذیرش خواهند رسید. پاسخ گروه گرایانه به این سوال منافع کوتاه مدت یک گروه را مافوق منافع مبارزه توده ای قرار داده، می پندارد که به هدف خود از طریق تحجیل برنامه سیاسی خود به مبارزه نائل خواهد آمد. تعبیرات دیگر قبول پیش شرط های برنامه ای و ایدئولوژیک را شرط شرکت در مبارزه قرار می دهد. پاسخ انقلابی به این سوال، برعکس از نیاز های مبارزه توده ای می آغازد، وحدت در عمل را به دور مسائل عینی مبارزه موکل به قبول کل برنامه سیاسی خود نمی کند. قبول برنامه خود را از جانب توده های مبارز توده به نشان داده شد. دستی این برنامه در تجربه مبارزه توده ها می کند، زیرا بهر حال تجربه پیشبرد مبارزات تنها معیار تعیین کننده در باره دستی یا نادرستی استراتژی ها و برنامه های سیاسی است. گرایش انقلابی از به تجربه گذاشته شدن نظرات و برنامه خود و همه ای ندارد. بدین ترتیب تنها راه اصولی و از نظر سیاسی ثمر بخش اتحاد نیروهای متفاوت در مبارزه علیه رژیم اتحاد بر سر مسائل مشخص مبارزاتی با حفظ استقلال کامل سیاسی و تشکیلاتی کلیه گرایش هاست. "کمیته ضد اختناق درایران" بر پایه چنین فقهومی از اتحاد مبارزاتی ساخته شده است. صحت این مفهوم را موفقیت های وسیع مبارزات این کمیته در عرض مدت کوتاهی که از عمر آن می گذرد نشان می دهد. موفقیت های این کمیته باعث شده است که در چندین کشور دیگر نیز کمیته های مشابهی ساخته شوند. در فرانسه "کمیته ضد اختناق درایران" تشکیل شده است و در مدت کوتاهی که از فعالیت های آن می گذرد توانسته است نیروهای وسیعی را در حمایت از مبارزات ضد خفقان رژیم پهلوی بسیج کند. در آلمان و ایتالیا نیز تدارک ایجاد این کمیته ها

کرده بودند، با استفاده از اظهارات نمای اعضای کمیته منی بر اینکه حزب توده چنین و چنان است، دیگر حتی شعارهای خود کمیته را هم در جلسه نصب نکرده بودند. جلسه ای که قرار بود صرف افشای رژیم و ابراز جدید جنایت های آن گردد. بلا دو پرچم بزرگ حاوی شعار "مرگ بر کمیته مرکزی" تزئین یافته بود. و بجای رژیم ایران، توضیح شرایط زندان و شکنجه و برانگیختن حاضرین به مبارزه علیه این رژیم سرکوب و سرنیزه جلسه به تحلیل سیاسی اعضای کمیته از جامعه ایران و توضیح استراتژی و برنامه انقلاب ایران و موضع گیری علیه گرایش های سیاسی دیگر اختصاص یافت. البته این حق اعضای کمیته است که در جلسات عمومی که برای این منظور مشخص ترتیب داده می شود مواضع سیاسی خود را تبلیغ کنند، ولی برای این کار دیگر نام کمیته از زندان تا تبعید نامی نبی مسمی و اعلام هدف کمیته بعنوان افشای رژیم و همبستگی با مبارزات مردم پوششی عوام فریبانه است، که نه به ساختن مبارزات وسیع علیه اختناق درایران کمک می کند و نه در خدمت تبلیغ مواضع سیاسی اعضای کمیته واقع می شود.

آیا افشای اختناق، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه برای حقوق دیکراتیک درایران راست روانه است؟

از جمله مواضع سیاسی ای که اعضای کمیته از زندان تا تبعید در جلسه پاریس اتخاذ کردند موضعی علیه "کمیته ضد اختناق درایران" (کاری) و کمیته برای آزادی هنرواندیشه درایران (کیفی) بود. در پاسخ به سوال یکی از حاضرین درباره "این دو کمیته، بدون هیچگونه توضیح سیاسی، یکی از اعضای کمیته از زندان تا تبعید" این دو کمیته را کمیته هایی با مشی راست روانه خواند که کمیته از زندان تا تبعید حاضر به همکاری با آنها نیست. قبلا نیز در جلسه منچستر در پاسخ به سوال یکی از مسئولین مسئولان انجمن دیکراتیک دانشجویان ایرانی که چرا کمیته از زندان تا تبعید با پخش نشریات کاری مخالفت می کند سعید سلطانپور گفته بود که بنظر وی فعالیت های کاری در جهت "دیکراتیزم اهریالیستی" خدمت می کند. از آنجا که کمیته از زندان تا تبعید برای رسیدن به چنین قضاوت "قاطعانه ای" درباره کاری حتی زحمت مباحثه با فعالین کاری را هم به خود روا نداشته است ناچاریم از این فرصت کتبی برای این بحث استفاده کنیم. اهمیت این بحث اساسا و عمدتا از درجه دفاع از کاری نیست. به نظر ما منطقی سیاسی ای که در پی چنین موضع گیری نهفته است در ظاهر چی گرایانه نتایج عطفی یکسره راست گرایانه ای دارد که نه تنها کوچکترین خدمت به مبارزه علیه رژیم ایران نمی کند، بلکه مانع راه ساختن فعالیت های لازم و ممکن در دفاع از مبارزات مردم ایران است.

قبل از وارد شدن به این بحث لازمست مختصرا چند کلمه ای درباره "کمیته ضد اختناق درایران" توضیح دهیم. "کاری" جبهه واحدی است متشکل از گرایش های سیاسی متفاوت به حول یک سلسله تکالیف و خواست های مبارزاتی مشخص: افشای اختناق درایران، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی درایران، دفاع از حقوق دیکراتیک درایران، دفاع از حق سازماندهی مستقل طبقه کارگر و سایر اقشار و توده های تحت ستم درایران، مبارزه برای اخراج ساواک از بریتانیا، و مبارزه برای قطع کمک های نظامی، تجاری و سیاسی انگلیس به ایران. برای تحقق این اهداف کاری به جنبش های توده ای در خود این کشور روی می آورد و در همین مدت کوتاه فعالیت های آن از پشتیبانی وسیعی در جنبش دانشجویی و جنبش کارگری، و جنبش آزادی زنان برخوردار بوده است. چندین ده اتحادیه دانشجویی به کاری پیوسته اند، برخی از شعبات حزب کارگر، سندیکاها و شوراهای اتحادیه های

آغاز شده است • بزودی امکان ایجاد جبهه* واحدی در سطح بین المللی علیه اختناق در ایران فراهم خواهد شد •

مسائل مشخصی نیز که محور فعالیت های این کمیته را تشکیل می دهد ، به نظر ما نیازهای مبارزه توده ای در شرایط کنونی است • دلیل این امر در واقع بسیار ساده است ، دولت ایران از هیچگونه پایه اجتماعی توده ای برخوردار نیست • از زمان کودتای ۲۸ مرداد تا به امروز بقای حیات این دولت همواره در گروی سرکوب مبارزات توده ها ، از بین بردن تشکلات مبارزاتی دوران قبل از کودتا و جلوگیری از هرگونه شکل مستقل توده ها بوده است • دولت ایران فقط از طریق سرنیزه ، پلیس ، تانک و مسلسل قادر به حفظ وجود خویش است و با شرایط انفجار پذیری که رشد سرمایه داری در ایران در دوران پس از کودتا ایجاد کرده است جلوگیری از شکل گیری مبارزات توده ای بهر قیمتی که لازم باشد تنها راه مقابله دولت با این " خطر " دائمی انقلاب اجتماعی شده است • تشدید اختناق و سرکوب ، توسل به توپ و تانک و مسلسل و سایر اقدامات سرکوب شدید و مستقیم از جانب دولت در ماه های اخیر موجد این نظر است • در چنین شرایطی مبارزه علیه اختناق و استبداد در تمام جویاب آن ، مبارزه برای حقوق دمکراتیک ، برای کسب حق بیان ، حق سازماندهی ، حق اعتصاب ، حق تظاهرات ، ... و مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی (یعنی آنها که در راه کسب همین حقوق به سیاه چال های ساواک افتاده اند) وزنه مرکزی در گشایش مبارزه طبقاتی پیدا می کند • " اعطای " این حقوق دمکراتیک ، برخلاف توهم بسیاری از گرایش های سیاسی به ویژه در خارج از کشور ، نه به نفع بورژوازی ایران است و نه در برنامه کارتر و یا هر جناح دیگر لیبرال و یا رفهیست بورژوازی همین - المللی قرار داد • این ها حقوقی است که مبارزه* توده ها علیه این بورژوازی و نظام امپریالیستی بدست خواهند آورد • کسانی که مبارزه برای این حقوق را راست روی می خوانند یا تصویر کاملا کودکانه ای از جنبش توده ای و فراشد انقلاب دارند : یعنی می پندارند که بدون مبارزه برای کسب حقوق دمکراتیک ، بدون اینکه درهای زندان های ایران گشوده شود ، بدون اینکه حق بیان ، اعتصاب و سازماندهی ... در طی مبارزه عملا بدست آید رژیم دیکتاتوری و نظام سرمایه داری را می توان سرنگون کرد • یعنی می پندارند بدون شکل سازماندهی توده ای و تشکیل کمیته های سیاسی انقلاب اجتماعی رخ دادنی است • و یا اوهاام واقعا راست روانه ای دارند که این حقوق دمکراتیک را لیبرال ها و رفهیست ها در طبق اخلاص به توده های مبارز خواهند داد • ما چنین چشم داشتی چه از دولت بورژوازی ایران و چه از بورژوازی در سطح بین المللی نداریم • به نظر ما این حقوقی است که جنبش توده ای در مبارزه خود علیه استبداد و طغیان استبداد به دست خواهد آورد و مهمترین وظیفه مرکزی ما امروزه در خارج از کشوری رساندن همه جانبه به این جنبش است ، از طریق تشویق و ترتیب کلیه نیروهای مبارزه به دفاعی قید و شرط از این مبارزات ، از طریق سازماندهی وسیع ترین فعالیت ها در دفاع از مبارزه برای حقوق دمکراتیک •

انقلابی بودن مبارزه ، صحیح بودن پرسشگری سیاسی این یا آن گرایش ، بر بنای شعارهای به ظاهر انقلابی و توپ و چپ ترو چپ تر دادن تعیین نمی شود • مهم اینست که آیا نیازهای اساسی مبارزه طبقاتی و راه های پیش برد واقعی این مبارزه درست تشخیص داده شده است یا نه • شعارهایی نظیر " هر حرکت قهرآمیزه ، آیینیه قهر خلق شوم " اگر چه به ظاهر انقلابی تر می نماید تا مثلا شعار " زندانیان سیاسی را آزاد کنید " ، و اگر چه از نظر ابهام شاعرانه ممکن است جایز و زیبا شمرده شود ، ولی ابهام سیاسی با مبارزه طبقاتی وفق نمی دهد • آیا واقعا اعضای کمیته از زندان تا تعهد می پندارند قدم بعدی مبارزه در " خیابان های تعهد " حرکت قهرآمیزه است ؟ (برخی از گرایش های سیاسی خارج

از کشور واقعا چنین می پندارند و منطقا نیز چنین عمل می کنند) در این صورت ارتباط این تشخیص کمیته با سازمان دادن " روزهای افشا " و اعتراض جهانی " چیست ؟ از نظر اعضای کمیته مهمترین و مرکزی ترین وظیفه جازین ایرانی در خارج از کشور کدامین است ؟ بدون جوابی صریح و روشن و بدون ابهام به این سوال برداشتن قدم بعدی نا ممکن است • جواب ما همانست که گفتیم : تبلیغ مبارزات مردم ایران برای حقوق دمکراتیک ، افشای جنایات و دسیسه های رژیم در وسیع ترین سطوح ، درین برده* تزویر و دروغ از چهره حکومت پلیسی و کمک به گسترش و تشدید مبارزات کنونی از طریق ایجاد همستگی جهانی با این مبارزات •

به نظر ما اعضای کمیته از زندان تا تعهد* که به خود سالهان طولانی قربانی اختناق حاکم بر ایران بوده اند وظیفه* که ویژه سنگینی در این راه بعهدہ دارند • با سابقه مبارزاتی خود ، با اطلاعات وسیع و جامعی که از شرایط اختناق ، شکنجه و زندان دارند ، در بهترین موقعیتند که در کمک به پایه ریزی مبارزه وسیعی علیه اختناق نقش مهمی ایفا کنند • ولی اگر اعضای " کمیته از زندان تا تعهد " واقعا خواستار سازماندهی چنین کوشش هایی باشند ، بی شک تجربه همین چند هفته باید نشان داده باشد که راه ساختن این گونه مبارزات جز از آن است که تا بحال پیچیده اند • باید تا بحال روشن شده باشد که اعضای کمیته نمی توانند از گرایش های مختلف اپوزیسیون در خارج از کشور بخواهند که بجای اتحاد در مبارزه علیه مشخص بدور برنامه مشخص سیاسی اعضای کمیته متحد شوند • باید این حالت که از یک سو فراخوان کمیته " روزهای آزادی و همستگی جهانی " فرا می خواند و از سویی دیگر نشست های عمومی کمیته بجای اعتراض و افشا* به تبلیغ برنامه سیاسی اعضای کمیته و حمله بر سایر گرایش ها و مبارزین اختصاص می یابد فورا پایان پذیرد • تجربه این چند هفته باید نشان داده باشد که تسلیم شدن کمیته در مقابل فشار نیروهای گونه گون در نقاط مختلف (بر حسب وزنه* عددی این یا آن نیرو در هر محل) میدان دادن به فرقه گرایانه ترین روش ها و دامن زدن به سترونی ترین مشاجرات را نیرو بخشیده است ، کمیته را از حذف پاره ای گرایش ها از نشست ها و تظاهرات عمومی به پایمال کردن ابتدائی ترین اصول دمکراتیک و حتی سانسور عقاید ، به موضع گیری های غیر اصولی در جلسات عمومی علیه مبارزین و گرایش های سیاسی دیگر کشانده است • بدون آموختن از تجارب منفی این چند هفته پیشبرد هرگونه کوشش در از مدت آینده نا ممکن خواهد بود •

در این راستا لازم است که " کمیته از زندان تا تعهد " صریحا اعلام دارد که با تمام نیروهایی که موافق بسیج همستگی جهانی علیه استبداد پهلوی و در دفاع از زندانیان سیاسی مستند حاضر به همکاری است • لازم است که در جهت تحقق بخشیدن به هدف اعلام شده نخست کمیته ، کلیه اسناد و اطلاعاتی که اعضای کمیته در مورد اوضاع زندانیان سیاسی ، شکنجه و ابزار سرکوب رژیم در اختیار دارند وسیعا و به زبان های مختلف انتشار یابد و در دسترس کلیه نیروهای که خواهان کوشش علیه رژیم قرار گیرند • " کمیته از زندان تا تعهد " باید بپذیرد و اعلام دارد که خواستار تحمیل نظرات سیاسی خود به سایر نیروهایی که حاضر به همکاری در مبارزه علیه ضد رژیم اند نیست و پیش شرط این همکاری در راه جنبش همکاری های قرار نمی دهد و بویژه به حق دمکراتیک کلیه گرایش ها در اظهار نظرات خود احترام می گذارد و تاخاذ روشنائی را که جز سانسور عقاید مخالف معنائی دیگر ندارند صریحا محکوم کند • تنها با حرکت در چنین راستائی ، جبران تجارب منفی این چند هفته گذشته و آغاز به مبارزه ای گسترده ، اصولی و همه جانبه در راه ایجاد وسیع ترین همستگی جهانی علیه استبداد پهلوی میسر خواهد بود •